

نقد ادبی و سرمایه‌هایش

سخن سردبیر

در سامانه فصلنامه نقد ادبی از آذرماه سال ۱۳۸۸ تاکنون، بیش از هزاروپانصد مقاله ثبت شده است. با توجه به تجارب حاصل از بررسی این تعداد مقاله و انتشار ۳۱ شماره فصلنامه می‌توان نمایی از نقد دانشگاهی را در این فصلنامه ترسیم کرد. معمولاً مسائل و مصائب نشریات دانشگاهی به‌طور رسمی برای خوانندگان و نویسندگان مقالات مطرح نمی‌شود. در این شماره سخن سردبیر مجال است برای گزارشی از فرایند تعامل عوامل مؤثر در کار فصلنامه و کیفیت کار در هر بخش، تا همکاران فصلنامه و مخاطبان با مسائل جاری در تحریریه آشنا شوند. عوامل برون‌سازمانی مؤثر در باروری نشریه علمی دانشگاهی عبارت‌اند از: مقاله، نویسنده و داور. مسائل هرکدام از سنجی است و فصلنامه در تعامل با هرکدام سیاست خاصی را پیشه می‌سازد. اینک تصویری از نقش و وضعیت هرکدام از این عوامل در فصلنامه نقد ادبی تقدیم خوانندگان محترم می‌شود:

الف. مقاله

اصلی‌ترین سرمایه فصلنامه مقاله است. مقاله روشمند که حاوی دستاورد نوین علمی باشد و شیوه‌های استدلالی و تبیینی را به‌شکلی موجه به‌کار گرفته باشد، مقاله درجه یک محسوب می‌شود و برای فصلنامه طلاست. چنین مقاله‌ای فرایند پذیرش تا انتشار را آسان و بدون مشکل طی می‌کند. داور چنین مقاله‌ای را با شوق در فاصله کوتاه گاه کمتر از ۱۰ ساعت ارزیابی می‌کند. در کوتاه‌مدت، ارجاعات به این مقاله زیاد می‌شود و بر شاخص تأثیر و اعتبار فصلنامه می‌افزاید. خلاصه، مقاله درجه یک «شربت اندر

شربت است». در نقطه مقابل آن، مقاله ضعیف است که چندان دشوارساز نیست؛ چون در همان گام نخست از دایره کار بیرون می‌رود. اما وافریدا از «مقاله متوسط»! مقاله متوسط را در بدایت امر نه باطمینان می‌توان پذیرفت و نه به سادگی می‌توان رد کرد. این مقاله از نظر شکل و ساختار، بسیاری از ویژگی‌های نوشتار علمی را دارد؛ اما مدعیانش نه اثبات‌شدنی است و نه ردکردنی. مقاله‌های متوسط غالباً از شگردهایی بهره می‌برند تا شکل نقد یا پژوهش علمی را به خود بگیرند. برخی از این شگردها از این قرارند:

- **آراستگی به اصطلاحات تخصصی:** کثرت مصطلحات تخصصی، مقاله را در رده «سخن تخصصی محض» می‌نشانند؛ حال آنکه مقاله فاقد دستاورد تازه است؛ حتی زبان عمومی آن نارسا و گرت‌برداری از زبان متون اصلی است. زبان تخصصی این مقاله در نگاه نخست اهل فن را متقاعد می‌کند که به آن توجه خاص مبذول بدارند. فقط متخصص درمی‌یابد که مقاله از مصطلحات فنی اعتبار گرفته؛ اما چیزی برای عرضه در آن نیست.

- **ابزارانگاری نظریه:** مقالات شبه‌پژوهشی معمولاً با یک بحث نظری باعنوان «چارچوب نظری تحقیق» آغاز می‌شوند و مدعی‌اند که موضوع را براساس یک نظریه بررسی‌ده‌اند. اما نظریه‌ای که در بخش آغازین مقاله، مستقل از بدنه مقاله مطرح شده، در عمل، نقش موجه‌نمایی تحقیق را دارد. بسا که با موضوع همخوان نیست. مغلطه آشکار آنجا روی می‌نماید که نویسنده چند شاهد از متن ادبی متناسب با مفاهیم نظریه می‌آورد و چنان وانمود می‌کند که فهم تازه‌ای از متن عرضه کرده است. اگر نظریه برای نخستین بار در زبان فارسی مطرح شده باشد، به‌دشواری می‌توان نویسنده را متقاعد کرد که مقاله دستاورد تازه ندارد یا به خطا رفته است. در این مقالات، نظریه چنان ارجمند داشته می‌شود که اگر با موضوع نقد هم سازگار نباشد، گو نباشد. درنهایت، خوانشی مکانیکی و مدرسی از نظریه در ساختار مقاله پژوهشی عرضه می‌شود. در این روش، نتایج حاصل از نقد ده‌ها اثر ادبی چندان تفاوتی ندارد. جالب آنجاست که منتقد چندین اثر ادبی را براساس همین یک نظریه نقد می‌کند و نظریه را به یک قالب مقاله‌سازی بدل می‌سازد.

- **کمی‌گرایی و آمارگری:** برخی پژوهش‌های علوم انسانی به‌طور افراطی بر روش‌های کمی و دقایق آماری و ارقام و اعشار اصرار دارند. در نگاه اول، دقت و عینیت تحسین‌برانگیزی به خواننده القا می‌کنند؛ حال آنکه اعتبار اولیه داده‌ها و اطمینان از شیوه گردآوری و درک درست آن‌ها مشکوک است. این نوعی «مغلطه روش» است؛ زیرا محقق از روش اثباتی در علوم پایه به‌طرز افراطی بهره می‌گیرد تا «وانمود کند» که تحقیقش اثباتی و عینیت‌گراست. آمارها و نتایج این نوع مقالات را نه می‌توان ثابت کرد و نه رد. بسا که مقاله پیام‌نچندان تازه و حتی برداشت‌های عام و غیرعلمی را با روش‌های دقیق آماری و با پشتگرمی علم ریاضی مهم و موجه جلوه می‌دهد.

- **شگرد ارجاع:** مقاله با کثرت ارجاعات و انبوهی منابع دست‌اول پژوهش چنین وانمود می‌کند که محقق بر منابع اصیل موضوع اشراف دارد. این ترفند با هدف اصیل‌نمایی تحقیق صورت می‌گیرد. اتکا به مرجعیت منابع بدون داشتن دیدگاه و نظر تازه، نوعی دانانمایی به‌شمار می‌رود؛ حال آنکه بسیاری نقل‌ها و کثرت ارجاع به سخن دیگران، دیدگاه شخصی محقق را به حاشیه می‌رانند. بسا که نویسنده اصل منبع را ندیده و با منبع واسطه از آن اطلاع یافته است. اگر ارزیاب فرصت بررسی منابع اصلی را پیدا کند، خطاهای شگرف مقاله از پرده برون می‌افتد.

این ترفندها از نوع مغالطه‌های ساختاری در منطق است و کشف و اثباتش وقت ارزیاب و *فصلنامه* را می‌گیرد؛ به همین دلیل مقاله متوسط مدت زمان زیادی روی میز سردبیر و داور می‌ماند. رسیدن به نتیجه قاطع درباره این مقاله مستلزم صرف وقت بسیار، و ارزیابی دقیق تک‌تک شگردها و واکاوی منابع اصلی مقاله است.

بیشتر مقاله‌های دریافتی در *تحریریه فصلنامه*، از نوع متوسط است. در ماه‌های شهریور و دی که منتهی به دونیم‌سال تحصیلی‌اند، سیل مقالات مستخرج از رساله‌ها سرازیر می‌شود. روزانه گاه تا چهار مقاله وارد سامانه می‌شود. پاسخ به این حجم انبوه، کاری است نفس‌گیر. اتفاقاً بیشترین ماجراها نیز بر سر همین مقالات می‌رود.

برخی از این مقاله‌ها برای آموزش یک رویکرد انتقادی یا نظریه ادبی بسیار مفیدند؛ اما چون فاقد دستاورد تازه‌اند، سرشت پژوهشی ندارند و در زمره مقالات آموزشی و

تمرینات نقد ادبی به‌شمار می‌آیند. آرای داوران، نویسندگان و تحریریه فصلنامه درباره چنین مقاله‌هایی متفاوت است.

ب. نویسندگان

خوشبختانه، نویسندگان مقالات فصلنامه نقد ادبی چندان تحریریه را گرفتار حاشیه‌های چاپ مقاله (مانند توصیه‌های مشفقانه، توقعات دوستانه و انتظارات بزرگان و خویشان) نکرده‌اند. اگر از جانب نویسندگان مشکلی هست، باز هم پیرامون مقاله متوسط است. نویسندگان مقاله متوسط عمدتاً عجله دارند و سخت پیگیر نتیجه داورانند؛ زیرا غالباً منتظر مجوز دفاع از رساله تحصیلی خویش‌اند یا در آستانه استخدام یا درگرو تمدید قرارداد استخدامی. بسیاری نیز پس از رد مقاله معترض‌اند؛ البته کمتر معترض شیوه ارزیابی و بیشتر معترض به بی‌توجهی مجله به مسائل و مشکلات شخصی ایشان.

یکی از مشکلات فصلنامه، مقاله‌های «کثیرالمؤلف» است. گاه نام سه تا چهار نفر بر تارک یک مقاله متوسط نشسته است؛ اما در متن صدای یک نفر شنیده می‌شود با صفت مفرد «نگارنده». برخی از نویسندگان آن مقاله در تخصصی دیگر شهرت دارند و درج نام یک متخصص در مقاله‌ای که نسبتی با تخصص او ندارد، خلاف اخلاق حرفه‌ای نشریه دانشگاهی است. بنابراین فصلنامه باید اطمینان حاصل کند که آیا آن نویسندگان همه در این مقاله مساهمت داشته‌اند؟ متأسفانه، درنهایت همه ناگزیریم به آیین‌نامه دانشگاهی تن بدهیم؛ زیرا باید نام اعضای هیئت علمی در مقاله مستخرج از رساله بیاید؛ زیرا اگر نام اعضای هیئت علمی در مقاله مستخرج از رساله نیاید، دانشجو با مشکل تحصیلی مواجه می‌شود. غم‌انگیزتر آنجاست که نویسنده‌ای از درج نامش در مقاله هیچ اطلاع ندارد و شکایتی هم ندارد. دردناک است که اخلاق پژوهش و شخصیت حرفه‌ای عالمان این‌گونه قربانی کمیت‌گرایی حاکم بر نهادهای علمی کشور می‌شود.

ج. داوران

ارزیابان مقاله‌ها نقشی بیش از دیگران دارند و نام و نشانی اندک؛ چراکه باید ناشناخته بمانند. سعیشان مشکور باد! در عرف دانشگاهی این روزهای ما، استادان سرشناس و

متخصصان طراز اول شائشان فراتر از داروی مقالات است و سردبیران از داوری‌های دقیق و احکام قطعی ایشان محروم‌اند. به‌ویژه آنجا که تصمیم‌گیری برای یک مقاله دشوار است. دیگر داوران نیز رغبتی به ارزیابی مقالات ندارند؛ چه شمار مقالات بسیار است و مقاله خوب اندک. از سویی سطح انتظارات داوران از مقاله‌ها بالاست و نگاه ایشان به مقاله‌ها آرمانی؛ این امر ارزنده است؛ اما برای مقالات نظری فارسی مشکل‌آفرین شده است. نظریه ادبی فارسی از آنجا که در این سال‌ها از آبشخور ترجمه و نظریه ادبی غرب بهره‌ور بوده است، سطح انتظارات خوانندگان را افزون کرده است. میانگین آگاهی عمومی درباب نظریه‌ها زیاد و دسترسی به منابع اولیه آسان است؛ اما باید دانست که «دانستن نظریه» مهارتی است و «نظریه‌ورزی» مهارتی دیگر؛ چونان فلسفه‌دانی و فلسفه‌ورزی یا مثل دو مهارت فهمیدن زبان خارجی و سخن گفتن به آن زبان. به‌گواه مقالات موجود، رویکرد فارسی‌زبانان به نظریه ادبی از نوع دانستن نظریه بوده که کنشی است منفعلانه. انفعال مقالات در برابر نظریه‌ها به چند صورت مشهود است: معرفی شیفته‌وار نظریه جدید به زبان فارسی (چنین مقالاتی برای نشریات اولویت دارند)، معرفی کتاب‌های جدید در نظریه ادبی (به‌جای نقد)، و کاربرد نظریه برای تفسیر متن فارسی. به‌ندرت می‌توان نوشتاری در زبان فارسی در تبیین و تفسیر آن یک نظریه یا در نقد و مواجهه با آن پیدا کرد. داشتن دانش زیاد در نظریه ادبی الزاماً به‌معنای آن نیست که شخص در تبیین تئوریک، نقد و گسترش مفاهیم آن نظریه هم توانمند است.

در این میان، داوران دانشمند ما یک مقاله نظری فارسی را با منابع آن در زبان‌های اصلی می‌سنجند و حکم به تکراری و ترجمانی بودن آن می‌دهند. بعضاً نیز باور نمی‌کنند که نویسندگان فارسی‌زبان به چنان درکی رسیده باشند. این‌ها مسائلی است که امر نظریه‌ورزی را در زبان فارسی به توقف و تأخیر می‌کشاند. برای حرکت به‌سوی نگرش فعال در مقالات نظری، لازم است نگارش مقالات مروری را برای تبیین، فهم، آموزش و ارزیابی نظریه ادبی و مصطلحات آن در دستور کار فصلنامه قرار دهیم. به‌تدریج با تمرکز بر این شیوه راه برای تأملات نظری فراهم می‌شود و از مرحله انتقال،

مصرف و ابزارانگاری نظریه به مرحله تبیین و تأمل و بعد نقد و ارزیابی نظریه‌ها فراخواهیم رفت.

درباب ظرایف کار ارزیابان *فصلنامه* نکات گفتنی بسیار است. از آن میان نکته جالب توجه در سال‌های اخیر، تغییر لحن ارزیاب در خطاب به نویسنده است. برخی ارزیابان در واکنش به نقیصه‌های فاحش مقالات برآشفته می‌شوند و لحنی تند در نقد آن به کار می‌بندند. اگر سخن آن ارزیاب مستقیماً به نویسنده ارسال شود، قطعاً سبب آزرده‌گی او از *فصلنامه* خواهد شد. البته این روزها، لحن‌ها در مقایسه با ده سال پیش بسیار علمی‌تر و منطقی‌تر شده است. این روزها ارسال اصل سخن داور برای نویسنده مقاله امکان‌پذیرتر از گذشته است. پیش‌تر سردبیر ناگزیر بود نوشته ارزیاب را برای نویسنده بازنویسی کند و از تندی و گزندگی لحن و سبک وی بکاهد.

سخن درباب داوری *فصلنامه* بدون قدردانی از بزرگوارانی که بی‌دریغ و جانانه در ارزیابی مقالات همکاری می‌کنند، تمام نیست. بی‌مدد ایشان کار *فصلنامه* نقد ادبی به سامانی نمی‌رسد. دریغاً که مُجاز به یادکرد نام اشخاص نیستم، وگرنه نوشته را باید به نام چند بزرگوار مزین می‌کردم که سرعت عمل، دقت و صواب رأی و از همه مهم‌تر پیشنهادهای راهگشایشان برای ارتقای مقالات، رشک‌انگیز است. به هر حال، قدردانی از ایشان کمترین وظیفه *فصلنامه* و شخص سردبیر است.

خط مشی *فصلنامه*

خط مشی *فصلنامه* بر چند هدف استوار است: فراهم کردن زمینه برای فلسفیدن در ادبیات و مسائل آن، ترویج نگرش انتقادی به ادبیات فارسی و مسائل آن، و بازاندیشی در رویکردهای نقد ادبی. در این راستا مقالاتی که در موضوعات ذیل به مجله می‌رسند، به ترتیب اهمیت در اولویت انتشار قرار دارند:

۱. طرح مسائل تازه درباره نظریه‌های ادبی؛
۲. تبیین و نقد مروری نظریه‌های ادبی و چالش با آن‌ها؛
۳. بررسی انتقادی یک رویکرد، اصطلاح، جریان یا موضوع در نقد ادبی و مطالعات ادبی فارسی؛

۴. معرفی رویکرد نوین در نقد ادبی؛

۵. نقد آثار ادبی کمتر شناخته‌شده فارسی (یکی از مشکلات فصلنامه، تراکم مقالات مشابه درباره یک شاهکار ادبی است).

اقتراح

باری، طرح این مسائل به انگیزه ارتقای فصلنامه نقد ادبی به درجه «یک رسانه مورد وثوق» است. جلب اعتماد ثقات و صاحب‌نظران نظریه و نقد ادبی البته به‌آسانی میسر نیست. فصلنامه برای رسیدن به آن آرمان، باید خویش را در معرض نقد اهل نظر قرار دهد. اینک نقد عملکرد، خط مشی و روش خود را به اقتراح می‌گذارد تا همراهانش نقدهای خود بر کار فصلنامه را طرح کنند و راهکار ارائه نمایند، و ما نیز با درج و نشر آن‌ها، زمینه گفت‌وگوی بیشتر در باب نقد ادبی فارسی را فراهم کنیم.

۱۵ آذر ۱۳۹۴

سردبیر